

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ


آیا پیامبر قرآن را از بحیرا آموخته؟


محقق: وزیر احمد عظیمی


زیر نظر: استاد عتیق الله افندی

تهیه و ترتیب: مرکز هدایت؛ رد اسلام ستیزان



 @Hedayat1442

 @Hedayat1442

 +93786995835

شبهه:

پیامبر اسلام قرآن را از راهب نصرانی بنام بحیرا یاد گرفته است.

اول داستان بحیرای راهب:

چون رسول خدا ﷺ دوازده ساله شد، ابوطالب او را با خودش به سفر تجارتی شام برد. در مسیر شام به بصری در چند کیلومتری شام رسیدند، که یکی از قصبه‌های (حوران) به شمار می‌رفت و جزء آن دسته از مناطق عرب نشینی بود، که زیر سلطه رومیان قرار داشت؛ در این شهر راهبی معروف به بحیرا زندگی می‌کرد، که گویند: نامش (جرجیس) بوده است. هنگامی که کاروان برای استراحت آنجا فرود آمد، بحیرا آنها را مهمان نمود. این درحالی بود که بحیرا معمولاً با قافله‌های تجارتی حرفی نمی‌زد؛ وی پیامبر ﷺ را از صفاتش شناخت؛ لذا در حالی که دستش را گرفته بود، گفت: این پسر سرور جهانیان است؛ خداوند او را به عنوان رحمتی برای جهانیان، مبعوث خواهد کرد. ابوطالب پرسید: از کجا می‌فهمی؟ بحیرا گفت: هنگامی که از گردنه به این طرف می‌آمدید، تمام سنگها و درختان به سجده افتاده بودند و احجار و اشجار جز برای پیامبر سجده نمی‌کنند؛ من او را از خاتم نبوتش می‌شناسم، که همانند سببی میان دو شانه اش می‌باشد. ما نشانه‌های او را در کتابهایمان می‌بینیم. آنگاه بحیرا از ابوطالب خواست، که محمد ﷺ را به مکه برگرداند تا مبادا یهودیان او را در شام بشناسند و به او آسیبی برسانند. بنابراین ابوطالب محمد ﷺ را با تعدادی از غلامانش به مکه برگرداند!

جواب:

(الف)

چگونه امکان دارد که رسول الله ﷺ قرآن را از یک راهب نصرانی یاد گرفته باشد، در حالی که در قرآن ذم و نکوهش نصرا شده است، ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...﴾^۱ «بسه طور مسلم، کسانی که می گویند: خدا، مسیح پسر مریم است! کافرند. بگو: اگر خداوند بخواهد مسیح پسر مریم و مادر او و همه کسانی را که در روی زمین هستند هلاک کند، چه کسی می تواند کاری بکند» - ﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودَ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ...﴾^۲ «یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خوشنود نخواهند شد، مگر این از آئین پیروی کنی...»

عقیده نصرانی ها به این است، که «نعوذ بالله» مسیح فرزند خدا است، ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عِزَّىٰرُ بْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلِ قَاتِلِهِمُ اللَّهُ أَنِّي يُؤْفِكُونَ﴾^۳ «یهودیان می گویند: عزیر پسر خدا است و نصرانیان می گویند: مسیح پسر خدا است» که آیات سوره ی اخلاص این عقیده ی شان را رد می کند. ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ (۴)﴾^۴ «بگو: خدا، یگانه یکتا است (۱) خدا، بی نیاز است (۲) نه کسی را زاده و نه از کسی زاییده شده است (۳) و نیست برای او کسی همتا (۴)».

پس چگونه امکان دارد که پیامبر ﷺ قرآن را از یک راهب مسیحی، که این عقاید را نسبت به الله ﷻ دارد یاد گرفته باشد، این خلاف عقل است، در حالی که اصل دعوت رسول خدا ﷺ را دعوت به توحید و یگانگی خداوند متعال تشکیل می داد، نه تنها از

۱. (مائده/۱۷)

۲. (بقره/۱۲۰)

۳. (توبه/۳۰)

۴. (خلاص/۱-۴)

پیامبر ﷺ بلکه از تمام پیامبران علیهم السلام هدف دعوت شان شناخت توحید و یگانگی الله متعال بوده است!

ب)

کودک ۱۲ ساله اگر پای به مدرسه نهاده باشد، باید یک سال رنج ببرد و وقت صرف کند تا خواندن و نوشتن کلمات ساده را بیاموزد، پس آن طفل درس ناخوانده، که تا آن روزگار گوسفندان را به صحرا می‌برد، چگونه توانسته است، از یک سفر کوتاه دستمایه‌ای برای نبوت و رسالت برگیرد و حکمت عظیم قرآنی و فقه گسترده اسلامی را بسازد، و جامعه و امتی عظیم تشکیل دهند؟! آن هم با حضور افراد فراوان کاروان که همه او را می‌شناختند و در کار او ناظر بودند و ماجرای این سفر را نقل کرده اند بگونه‌ای که در تاریخ منعکس و ضبط شده، ولی در گزارش آنها از آموزش پیامبر ﷺ کم‌ترین سخنی نرفته است، چه شده که همسفران پیامبر ﷺ از این ماجرای شگفت آگاه نشده‌اند، ولی شرق شناسان اروپایی از این راز نهان!! آگاهی یافته اند! خوشا به حالشان!!^۱

ج)

برای رد نمودن این عقیده‌ی شان همین قدر کافی است، که بدانند پیامبر ﷺ فقط یک بار بحیرا را ملاقات کرده، آن هم در وقتی که رسول خدا ﷺ دوازده ساله بودند و مدت ملاقات شان خیلی مدت کمی را در برگرفت و این محال است، که رسول خدا ﷺ قرآن را در این مدت کم از بحیرا یاد گرفته باشد. و یقیناً ثابت است که رسول خدا ﷺ از بحیرا هیچ چیز یاد نگرفته‌اند، زیرا علمی که قرآن از آن سخن می‌گوید، فراتر از عقل و توان بشر

۱. (تفکیک شبهات الملحدين في إثبات نبوة رسول الله ﷺ محمد بن فوزی الغامدی/۱۴۴-۱۴۵)

۲. خیانت در گزارش تاریخ (نقد کتاب بیست و سه سال) تألیف: مصطفی حسینی طباطبایی (۱۱۴/۱-۱۱۵)

است، حتی بشر از درک آن عاجز است، و فقط در آن ملاقات بحیرا از رسیدن رسول خدا ﷺ به شأن بزرگی (نبوت) خبر داد و حتی برای ابوطالب گفت که او را از یهود محافظت کند که مبادا به او ضرر برسانند، این ملاقات دلیل بر نبوت رسول خدا بود، نه بر علیه او و دلیل بر کسی شده، که از این واقعه استدلال کرده که رسول خدا ﷺ قرآن را از بحیرا یاد گرفته است.^۱

(د)

چگونه عقل می‌پذیرد، که بحیرا چهل سال قبل از وقوع جنگ بدر از آن خبر بدهد یا از پیروزی روم بر فارس خبر دهد ﴿غُلِبَتِ الرُّومُ﴾ (۲) فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (۳) فِي بَضْعِ سَنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلِ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۴﴾ یا خبر از فتح مکه بدهد، که بزودی مسلمانان فتح کنان داخل مکه می‌شوند ﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمَنِينَ مُحَلِّقِينَ رِءُوسِكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ و مانند اینها بسیار زیاد در قرآن ذکر شده است، بلکه همه‌ی اینها دلالت بر این می‌کند که قرآن از جانب الله است.^۲

(ه)

فصاحت و بلاغت خارق العاده و سخن گفتن از اخبار غیبی و عاری بودن از هرگونه تناقض و اشتغال آن بر احکامی که مقتضای مصالح نظام جهانی است، هر کدام به تنهایی

^۱ . رد السهام عن خير الأنام باب رد شبهة: نبى يعلمه بشرًا! تأليف: أكرم حسن مرسى، باحث في الأدیان؛ مكتبة زين العابدين الإسلامية (۹۳۵/۱-۹۴۰)

^۲ . (الروم/۴-۲)

^۳ . (الفتح/۲۷)

^۴ . رد السهام عن خير الأنام محمد عليه السلام في دفع شبهات المنصرين عن النبي الأمين باب رد شبهة: نبى يعلمه بشرًا، تأليف: أكرم حسن مرسى، باحث في الأدیان؛ مكتبة زين

دلیل صدق و حقانیت قرآن از جانب الله متعال است، و ساختن چنین کتابی از شخص پیغمبر ﷺ ممکن نیست، یا اینکه این را از کسی آموخته باشد، که او هم بشر است.^۱

(و)

این ادعا که محمد قرآن را از راهب نصرانی به نام بحیرا گرفته کاملاً غیر منطقی است، زیرا همیشه افرادی اطراف ایشان بودند و پیوسته در حال ملاقات با افراد مختلف بودند، پس اگر پیامبر ﷺ بحیرا را برای آموختن قرآن ملاقات می‌کرد، مسلماً در تاریخ کشف و ثبت می‌شد و از طرف دیگر دشمنان پیامبر ﷺ همیشه آن حضرت ﷺ را تحت نظر داشتند و اگر حقیقتاً ایشان کسی را مخفیانه ملاقات می‌کردند مطمئناً دشمنان پیامبر ﷺ آن را آشکار می‌کردند، تا مردم حقیقت را بدانند که این کار صورت نگرفته است.

امی بودن پیامبر ﷺ دلیلی دیگر بر این است که ایشان از بحیرا چیزی نیاموخته است؛ چنان که الله متعال در سوره عنکبوت می‌فرماید: ﴿وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَارَتَابَ الْمُبْطِلُونَ﴾^۲ «تو پیش از قرآن، کتابی نمی‌خواندی و با دست راست خود چیزی نمی‌نوشتی، که اگر چنین می‌شد، باطلگرایان به شک و تردید می‌افتادند».

یعنی خداوند می‌داند، که افرادی ادعا خواهند کرد، که این قرآن توسط حضرت محمد نوشته شده است لذا خداوند مقدر ساخت که آخرین پیامبر ﷺ او امی و بی‌سواد باشد، تا حتی کوچکترین نقطه ضعفی هم در دست شبهه افکنان قرار نگیرد.^۳

^۱. أزهري البيان في تفسير كلام الرحمن؛ فضيلة الشيخ محمد اكرام الدين، بدخشاني (۱۹۱/۶) مكتبة اسلاميه

^۲. (عنكبوت/۴۸)

^۳. آیا قرآن کلام خداست؟ گرفته شده از سخنان داکتر ذاکر نایک، گردآورنده: سیروان رسولی (۱۸-۲۰-۲۱)

(ز)

این ادعایی خالی از دلیل است، و هیچ منبع و اساسی ندارد، که هرگز قبول نمی‌شود، تا وقتی که بدون دلیل باشد، اگر واقعاً این ادعای تان درست است، پس بگویید که پیامبر ﷺ از بحیرا چه شنیده و چه وقت شنیده و کجا شنیده.

(ح)

پیامبر ﷺ فقط یک بار آن هم در حضور ابوطالب با بحیرا ملاقات کرده است و اگر بحیرا به پیامبر ﷺ چیزی می‌آموخت، قطعاً ابوطالب و همسفران دیگر از آن باخبر می‌بودند و این سخن بین اهل مکه پخش می‌شد و همه از جمله ابوطالب به سخنان پیامبر ﷺ گوش نمی‌داد و این قدر حمایت نمی‌کرد!

(ط)

در هیچ یک از روایات دیده نمی‌شود، که رسول خدا ﷺ چیزی در باره‌ی دین از او شنیده باشد، یا درسی یاد گرفته باشد، یا یک کلمه‌ی در باره‌ی عقاید، یا در باره‌ی عبادات، یا در باره‌ی معاملات و یا در باره‌ی اخلاق یاد گرفته باشد، پس چگونه شما این چنین ادعای می‌کنید.

(ی)

اگر بحیرا راهب مصدر این معجزه‌ی بزرگ اسلام می‌بود، پس او سزاوار تر به نبوت و رسالت بود.^۲

^۱ عَقِيدَتَنَا، فِي الْخَالِقِ، وَالنَّبِيِّ، وَالْآخِرَةِ، تَأَلِيف: عَبْدَ اللَّهِ نَعْمَةَ رَئِيسِ الْمَحْكَمَةِ الشَّرْعِيَّةِ الْعَلِيَا (٢٨١/١) مُؤَسَّسُهُ عَزَّالْدِينِ لِلطَّبَاعَةِ وَالنَّشْرِ بِيْرُوت- لِبْنَان.

^۲ . فِتَاوَى الشَّبِكَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ، الْمُؤَلَّف: لَجْنَةُ الْفِتَوَى بِالشَّبِكَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ بَابِ هَلْ تَلَقَى النَّبِيُّ ﷺ الْقُرْآنَ مِنْ بَحِيرَا الرَّاهِبِ؟! (١٩٥/٤) (رقم/٢٣٥٤٧) وَ أَيْضاً فِي مَوْسُوعَةِ الْفِتَاوَى الشَّامِلَةِ،

المؤلف: مجموعة علماء وفقهاء/باب: هل تلقى النبي صلى الله عليه وسلم القرآن من بحيرا الراهب؟! (١٩٥/٤) - [تَارِيخُ الْفِتَوَى] ٢٤ ربيع الأول ١٤٢٤

زبان بحیرا عربی نبوده است، او چگونه در زبان عربی چنان کتاب فصیحی آورده که همه‌ی فصحاء و بلغاء عرب را عاجز نموده است؛ چنان که الله متعال به طرف همین دلیل اشاره کرده است و می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانِ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِي وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُّبِينٌ﴾^۱

(ک)

چرا مشرکین مکه این چنین تهمتی وارد نکردند، که قرآن را از بحیرا آموخته است، آن‌ها از ملحدین امروزی داناتر بودند، زیرا آن‌ها این تهمت را بستند که قرآن را از بشر رومی آموخته که همواره به مکه بوده و پیامبر ﷺ گاهی اوقات پیش وی می‌رفته است اما هرگز آن‌ها نگفته‌اند، که قرآن را از بحیرا آموخته است.

(ل)

در هیچ یک از کتب عهد قدیم و جدید درباره‌ی مباحث فلک‌شناسی و... که در قرآن آمده، هیچ سخنی به میان نیامده است، بحیرا این همه را از کدام منبع گرفته است؟^۲

(م)

چرا هیچ کسی دیگر غیر از پیامبر ﷺ این سخنان عجیب قرآن را از بحیرا نگرفته و چنین ادعایی نکرده است؟ چه خصوصیتی در کودکی پیامبر ﷺ وجود داشته که بحیرا فقط به ایشان بدهد و به کسی دیگر ندهد؟ این ادعای ملحدین کذب و دروغ محض است.

(ن)

در کتب گذشته هیچ ذکری از داستان هود و صالح و شعیب نیامده است، هم‌چنین درباره‌ی برخی تفصیل زندگی ابراهیم و موسی و عیسی نیز نیامده است؛ در نتیجه اهل کتاب از آن

^۱. (النحل/۱۰۳)

^۲. موسوعة الفتاوى الشاملة، المؤلف: مجموعة علماء وفقهاء/باب: هل تلقى النبي ﷺ القرآن من بحيرا الراهب؟! (۱۹۵/۴) تاريخ الفتاوى: ۲۴ ربيع الأول ۱۴۲۴

^۳. الإسلام يتصدى للغرب الملحد، تأليف: الدكتور محمد نبيل النشواتي (۳۰۴/۱-۳۰۵) مكتبة دارالقلم - دمشق.

هیچ آگاهی نداشتند، پس ممکن نیست که پیامبر ﷺ این تفصیل را از اهل کتاب (بحیرا) گرفته باشند!

دیدگاه مسیحیان بر این سفر و بررسی روایات:

نویسندگان مسیحی این روایت را صحیح می‌دانند، پس به گونه‌ای که داستان در روایت مذکور است، باید آن را بپذیرند. در حالی که در آن بحث از تعلیم بحیرا به میان نیامده است و نیز دور از عقل است که به کودکی دوازده ساله، تمام اسرار دین اسلام در مدت کوتاه و آن‌هم توسط یک راهب مسیحی سالخورده که زبانش را هم نمی‌داند آموخته شود! و اگر امری خارق العاده بوده نیازی به زحمت و تعلیم «بحیرا» نبوده است.

در واقع این روایت غیر قابل اعتبار است و تمام طرق آن مرسل هستند؛ یعنی راوی اول در زمان واقعه موجود نبوده و نام آن نیز در روایات ذکر نشده است. مستندترین طریق این روایت در «ترمذی» مذکور است که سه امر در مورد آن قابل توجه می‌باشد:

- ۱- ترمذی در باره‌ی آن روایت اظهار داشته، که «حسن» و «غریب» است و این حدیث غیر از این طریق به طریقی دیگر برای ما معلوم نیست. رتبه «حسن» از رتبه حدیث «صحیح» پایین‌تر است و چون «غریب» نیز باشد رتبه‌اش از آن‌هم پایین‌تر خواهد بود.
- ۲- یکی از راویان این حدیث «عبدالرحمن بن غزوان» است، گرچه بسیاری او را (مورد اطمینان) دانسته‌اند، ولی اکثر اهل فن نسبت به وی اظهار بی‌اعتمادی کرده‌اند. «علامه ذهبی» در «میزان الاعتدال» مرقوم داشته است:

۱. الأدلة العقلية الثقلية على أصول الاعتقاد، تأليف: سُعود بن عبدالعزيز بن محمد العريفي؛ مكتبة دار عالم الفوائد (۱/۵۵۴-۵۵۷) به نقل از كتاب: الجواب الصحيح، للإمام ابن تيمية الحرائي الحنبلي الدمشقي (المتوفى: ۷۲۸هـ) (۵/۳۸۸-۳۹۲) تحقيق: علي بن حسن (عبد العزيز بن إبراهيم، حمدان بن محمد الناشر: دار العاصمة، السعودية)

«عبدالرحمن» احادیث منکر بیان می‌کند و منکرتر از تمام آن‌ها حدیثی است که در آن داستان «بحیرا» مذکور است.

۳- «حاکم» در «مستدرک» نسبت به این روایت نوشته است: این حدیث با شرایط بخاری و مسلم مطابق است. «علامه ذهبی» در «تلخیص المستدرک» این گفته «حاکم» را نقل کرده و نوشته است:

بعقی از وقایع این حدیث را «موضوع»، دروغ و جعلی می‌پندارم.^{۱)}

۴- در این روایت مذکور است که حضرت بلال و حضرت ابوبکر نیز در آن سفر همراه بودند، حال آنکه در آن موقع اصلاً وجود نداشت و حضرت ابوبکر نیز خردسال بود.

۵- آخرین راوی این داستان «ابوموسی اشعری» است که در آن سفر حضور نداشت و نام راوی مافوق خود را نیز بیان نمی‌کند. علاوه بر «ترمذی» سندی که در «طبقات ابن سعد» مذکور است نیز «مرسل» و یا «معضل» است؛ یعنی روایتی که «مرسل» است، تابعی‌ای که در آن واقعه حضور نداشته، نام صحابی را ذکر نمی‌کند. و روایتی که «معضل» است، در آن راوی نام دو راوی مافوق خود، یعنی نام «تابعی» و «صحابی» را ذکر نمی‌کند.

۶- حافظ ابن حجر بر مبنای اعتماد فوق العاده به راویان حدیث، این حدیث را صحیح می‌داند، اما چون همراهی حضرت ابوبکر و بلال در آن سفر قطعاً نادرست است. لذا به ناچار اعتراف می‌کند، که این قسمت به طور اشتباهی در روایت وارد شده است. ولی این ادعای «حافظ ابن حجر» که تمام راویان این روایت «مستند» هستند، نیز صحیح نیست. در باره «عبدالرحمن بن غزوان» خود «ابن حجر» در «تهذیب التهذیب» نوشته است:

۱- (نبراس فی شرح عیون السیر) لابن سید الناس، زرقانی، میزان الاعتدال، اصابه (تذکره عبدالرحمن بن غزوان) مستدرک حاکم مع تلخیص (۲/ ۵ / ۶) (سلیمان ندوی).

«او مرتکب خطا می‌شد و از این جهت هم مشکوک است که از «ممالیک» روایت می‌کند».

از «ممالیک» یک روایت نقل شده، که محدثین آن را دروغ و «موضوع» می‌دانند^۱.

۱. فروغ جاویدان، تألیف علامه شبلی نعمانی و علامه سید سلیمان ندوی (۲۱۲/۱) مؤلف، نقد مفصلی بر داستان (بحیرای راهب) در جلد سوم سیره النبی تحت عنوان (حیثیت روایتی عموم دلایل و معجزات مشهور) ذکر کرده است به آنجا مراجعه شود. (سلیمان ندوی)